

## خانواده و مشروعیت روابط انسانی

این مقاله با الهام از نوشته‌ای منتشر می‌شود که ژان استوتزل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۴ با نام دگرگونی در کارکردهای خانواده منتشر ساخت و مجله جمعیت و جامعه در شماره ۲۱۲ (آوریل ۱۹۸۷) به احترام استاد و به مناسبت مرگش در سال گذشته میلادی خلاصه‌ای از آن را منتشر ساخت. باید اضافه کرد که مقاله زیر که با یادوبه احترام استادوبه مناسبت کوششهایش در شناخت خانواده امروز منتشر می‌شود، نه ترجمه مقاله فوق‌الذکر اوست نه اقتباس از آن. هرچا نیز که نظرات وی آمده‌است با گیومه مشخص شده‌است.

خانواده، از آغاز، روابط انسانها را بین دو جنس مخالف به دوگونه مشروع و نامشروع تقسیم کرده‌است، این از مهمترین، دایمی‌ترین و جهانی‌ترین کارکردهای خانواده‌است. خانواده بستر و زمینه روابط مشروع انسانهاست و خارج از آن، روابط بین دو جنس فاقد مشروعیت است و در عرف معمول، نامشروع تلقی می‌شود؛ این امر از آن روست که خانواده در تمامی جهان‌سازمانی اساسی است که از خلال آن جامعه به سازمان‌بخشی و انتظام روابط بین زن و مرد دست می‌زند<sup>۲</sup> به بیان دیگر جامعه در سراسر تاریخ کوشیده‌است از طریق خانواده و ازدواج روابط طبیعی را در قلمروغرایز و سائقهای انسانی بعدی اجتماعی بپخشد و آن را در کنترل خویش در آورد و همین جاست که به زعم کلودلوی اشتراوس<sup>۳</sup> برخورد فرهنگ و طبیعت آغاز می‌شود. فرهنگ سائقه طبیعی را از

---

۱ - ژان استوتزل (Jean Stoetzel)، در سال ۱۹۱۰ در فرانسه متولد شد. در آغاز درد دانشسرا - یعالی به تحصیل پرداخت و آگرژو فلسفه شد. پس از آن به آمریکا عزیمت کرد. پس از بازگشت از این کشور با الهام از کارگالوپ به سنجش افکار روی کرد و موسسه سنجش افکار را تاسیس کرد (۱۹۳۹)، رساله دکترایش را به نظریه عقاید اختصاص داد (۱۹۴۳). استاد دانشگاه بوردو و سپس سوربن گردید و مجله فرانسوی جامعه شناسی را بنیان‌نهاد. از اساتید برجسته در روانشناسی اجتماعی شد (اثرش با همین نام توسط دکتر علیمحمد کاردان بفرسی ترجمه شده است) استوتزل در جامعه شناسی و روانشناسی هردو، دانشجویانی را هدایت نمود که در سراسر جهان به کار آموزش و تحقیق مشغولند.

صورت غربیزی بیرون می‌آورد؛ زیرا بدان آگاهی و شعور می‌بخشد، در حیطه برنامه‌ریزی جایش می‌دهد و بالاخره به گفته موریس هالبواکس موجب می‌شود اسوری (روابطی) که می‌توانستند به صورتی آزاد و بدون نظارت جامعه پدید آیند، چنان در معرض کنترل اجتماعی در می‌آیند و چنان مراسم و ابعاد اجتماعی می‌یابند که گاه بعد فرهنگی بر بعد طبیعی غالب می‌گردد.<sup>۱</sup> در کنترل روابط بین دو جنس، هنجارهای اجتماعی در چارچوبی عمل می‌کنند که امروزه بدان نسبت اجتماعی<sup>۲</sup> اطلاق می‌شود و در قلمرو جامعه‌شناسی تفاوتی<sup>۳</sup> بدان می‌نگرند، بدین معنی که استقرار روابط مشروع و نوع افرادی که در حوزه مشروعیت قرار می‌گیرند در هر جامعه خاص و متمایز از دیگر جوامع است. بعضی از وجوه خاص این روابط چنین‌اند:

### ۱- انحصار و تعدد روابط مشروع

جوامعی چند در یک‌آن، فقط فرد را سباز به برقراری روابط مشروع با یک فرد از جنس مخالف می‌دانند؛ این شیوه معمول تک‌همسری<sup>۴</sup> است که به صورتهای تک‌شوئی<sup>۵</sup> و تک‌زنی<sup>۶</sup> تجلی می‌کند. در این حال روابط سباز، انحصاری، محدود و منحصر به فرد شناخته می‌شود.

لیک همواره چنین نیست؛ پیدایی قوانینی چند که موجبات تعدد روابط مشروع را فراهم می‌سازند، دال بر این مدعاست: این قوانین از دو همسری<sup>۷</sup> آغاز می‌شوند و تا چند همسری<sup>۸</sup> امتداد می‌یابد. اگر چه چند زنی<sup>۹</sup>، پدیده رایج تاریخ است. چند شوئی<sup>۱۰</sup>، یعنی تعدد روابط مشروع بین یک زن و چند مرد، از نوادر تاریخ به‌شمار می‌آید؛ اما آنچه مشهود است این‌که جامعه در تمامی موارد که چند همسری را می‌پذیرد، فرایند تعدد روابط را سازمان یافته<sup>۱۱</sup> و نهادی<sup>۱۲</sup> می‌سازد

- |  |                       |
|--|-----------------------|
| 1 - Halbwachs. cf Girard, A. 1964 : 18 | 2 - Social relativity |
| 3 - Differential Sociology             | 4 - Monoandry         |
| 5 - Monoandry                          | 6 - Monogyny          |
| 7 - Bigamy                             | 8 - Polygamy          |
| 9 - Polygyny                           | 10 - Polyandry        |

«از نمونه‌های نادر چندشوئی را می‌توان در بین توداهای جنوب هند یافت. درین جوامع چندبرابرشوئی (Fraternal polyandry) رایج است و به‌زعم مرداک (Murdock) علت آن سختی معاش و کمبود امکانات حیاتی است که موجب می‌شود کودک‌کلان دختر را برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت نابود سازند».

(Queen et al 1975, chap 2. Murdock, 1975 : 120 - 121)

- |                |                        |
|----------------|------------------------|
| 11 - Organized | 12 - Institutionalized |
|----------------|------------------------|

نهادی از آن روکه پدیده چند رابطه‌ای بودن در یک زمان را پذیرفتنی، (مخصوصاً در زمان‌هایی نظیر جنگ و...) سفید و ارزشمند تلقی می‌کند و سازمان یافته از آن جهت که حدود این تعدد روابط را مشخص می‌سازد، مسئولان تنظیم آن را معین می‌دارد و فرایند اعمال آن را تسهیل می‌کند و در نهایت آن را از اختلاط آزادا و ازدواج آزادا متمایز می‌سازد.

### ۲- قلمرو تحقیق روابط مشروع:

همه انسانها در راه ورود به حریم روابط مشروع بایکدیگر بخت مساوی ندارند و دایره‌گزینش همسردر هر جامعه فرق دارد. کنترل اجتماعی در این جهت از دو طریق، اعمال محدودیتها و ممنوعیتها، به شرح زیر صورت می‌پذیرد:

### ممنوعیتها:

گذشته از حصر کمی، هیچ جامعه‌ای انعقاد روابط بین دو جنس را بدون هیچ ضابطه یا معیار اجتماعی، مشروع تلقی نمی‌کند و مشروعیت از وجود و سپس اعمال ضوابط اجتماعی منبث می‌شود. در بین این ضوابط می‌توان از قاعده منع زنا با محارم یاد کرد که پدیده‌ای است جهانی و توسط آن انسانهایی که می‌توانند در محدوده روابط مشروع جای گیرند مشخص می‌شود

1 - Promiscuity

2 - - Pan mixia

3- Incest

منع ازدواج با آنانی است که در درون محدوده محرمیت جای می‌گیرند. جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و روانکاوان هر یک به نحوی مسئله منع زنا با محارم را مطرح ساخته‌اند: مارگارت مید (M. Mead) با مطالعه در بین آراپش‌ها ممنوعیت بر قراری رابطه زوجیت با نزدیکان را در جهت غنی ساختن شبکه خویشاوندی می‌داند. آراپشی در پاسخ به این سؤال که چرا با خواهرت ازدواج نمی‌کنی؟ می‌گوید. اگر من با خواهرم ازدواج کنم، کجا شوهر خواهر خواهرم داشت و از کجا شوهر خواهر دیگری خواهم بود، بدین سان کجا می‌توانم پیوند با دیگران را گسترش بخشم.

از نظر تیلور (Tylor) ممنوعیت زنا با محارم نقشی حساس در تطور فرهنگ داشته است، چه تا زمانی که ازدواجها در درون گروه خویشاوندان نزدیک ممنوع نشده بود، توسعه جامعه از طریق بسط روابط سببی میسر نبود.

فریود در اثرش توتم و تابو (۱۹۱۷) و دیگر نوشته‌هایش در این باره چنین می‌گوید که هر پسر باید در برابر تمایل نسبت به مادر و تعارض با پدر (عقده اودیپ) مقاومت نماید و این کنترل سبنای منع زنا با محارم است.

و به نوعی قلمروگزینش برای هر فرد پدید می‌آید، از این دیدگاه، جامعه‌با کار برد خانواده به عنوان یک ابزار تاملی شبکه‌خویشاوندی را تحت کنترل می‌گیرد<sup>۱</sup>. نمونه‌هایی از اعمال ممنوعیت در روابط بین دو جنس بدین قرارند:

### ۱- ازدواج‌های بیگانه

در جامعه‌های بسته سفید سالار نظیر افریقای جنوبی امروز هیچ سیاهی حق‌گزینش همسر از بین سفیدپوستان را ندارد همان‌طور که هیچ سفیدپوستی نیز حق زوجیت با یک سیاه را ندارد نیست. در چنین جوامعی آنچه درون همسری نژادی<sup>۲</sup> اطلاق می‌شود، به سختی و با اعمال مجازات -تهای حقوقی بر انسانها تحمیل می‌شود و در این میان تفاوتی بین سیاه و سفید نیست. به بیان دیگر، نه تنها سیاه‌پوستان حق ارتقاء اجتماعی و کسب پایگاه برتر را از طریق ازدواج با سفیدپوستان ندارند (فرد است - همسری °) بلکه هیچ سفیدپوستی نیز حق ندارد، پایگاه



۱- به‌زعم عده‌ای چون مورگان، اساساً پیدایی خانواده و گذر از مرحله اختلاط آزاد، با پیدایی همین ممنوعیتها تحقق پذیر است. اولین گام در راه بنیان خانواده منع روابط فرزندان با والدین آنان است. با این منع که عمودی خوانده می‌شود، نخستین نوع خانواده تکوین می‌یابد که مورگان بدان خانواده همخون اطلاق می‌کند. در مرحله بعد خانواده، منع دیگری (افقی) بر منع فوق افزوده می‌شود و گروهی دیگر را به عنوان محرم از حریم زوجیت خارج می‌سازد. در این مرحله، جامعه روابط بین خواهران و برادران را ممنوع می‌سازد و با آن خانواده سازمانی نو می‌یابد که بدان خانواده پوناوئن اطلاق می‌شود، و در مرحله بعد که شبکه ضوابط بسط می‌یابد و دایره همسرگزینی دقیق‌تر تعیین می‌شود، خانواده سند یا سمیک پای به‌عرصه وجود می‌نهد.

2 - Miscegenation

3 - Albocrat

4 - Racial endogamy

5 - Hypergamy

منتسب اجتماعی خود را رها سازد و با فردی سیاه پوست عقد زوجیت بندد (فرودست همسری<sup>۲</sup>).

### جامعه کاستی و ازدواج بسته<sup>۳</sup>

همین قاعده در جوامع کاستی نیز به دلیل و صورتی دیگر تحقق می پذیرد، در اینجا رنگ پوست مطرح نیست، اما بستگی سخت گروههای اجتماعی با خود بسته بودن ازدواج را نیز فراهم می آورد. ازدواج درون گروهی<sup>۴</sup> است و روابط برون کاستی فاقد مشروعیت. جامعه کاستی با این دوگانگی روابط از طریق خانواده می کوشد دوگانگی فاحش اجتماعی<sup>۵</sup> را مشخص سازد، آن را تداوم بخشد، از پیدایی نسلهای مختلط یا برزخی جلوگیری کند و در نهایت، سوجب گردد نجهما<sup>۶</sup> که فاقد کاست اند و محروم از همه مزایای اجتماعی، هرگز نتوانند با ازدواج، برزهای گروه خود را در نوردند.

#### 1 - Ascribed social status

در برابر پایگاه مکتسب، در جوامع کاستی یا نژادی و دارای گروههای متحجر و بافاصله زیاد، فرد با سلسله امتیازاتی چند به دنیا می آید. او خود این امتیازات را کسب نکرده است، بلکه این مزایا با وراثت نژادی یا کاستی از جانب جامعه بدو تفویض شده است. این امر حاوی نفی و هم اثبات است. به عنوان مثال، در یک جامعه کاستی پاریا ها و یا به طور کلی تمامی انسانهای برون کاست (Out - caste) فاقد منزلت اجتماعی متعارف هستند، با منزلتی پست به دنیا می آیند، از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم اند و تکالیف اجتماعی خاصی دارند. گذشته از این مجموعه اجتماعی که بر اساس توارث شکل می گیرد، هم ارزشی و هم ارزش زدا است. به بیان روشنتر، همانطور که کاستهای بالا (نظیر برهماها) دارای ارزش ذاتی هستند، گروههای بی بهره از منزلت منتسب فاقد ارزش به حساب می آیند و در سواردی چند نجس خوانده می شوند. سوم آنکه چنین نظامهایی بر مبنای بقای منزلت ذاتی و ارزشهای منتسب شکل می گیرند. آنچنان که فرد سیاه پوست در نظام سفید سالار (Albocrat) یا فرد فاقد کاست در یک نظام کاستی هرگز امکان ارتقاء نخواهد داشت، فرد با سلسله امتیازاتی یا حرمانهایی چند به دنیا می آید، با همان زندگی می کند و با همان نیز جهان را وداع می کند، بدون آنکه از طریق کار و کوشش امکان تأثیر بر سر نوشت خویش را یابد.

2 - Hypogamy

3 - Connubium

4 - endogamy

5 - Social dichotomy

6 - Untouchables

### خویشاوندی توتمی و برون همسری

اگر تا کنون، جوامع آپارتاید یا کاستی، دوگانگی ارتباط را در جهت ترجیح درون همسری تعهد کرده سپس تداوم می بخشیدند، در جوامعی دیگر خانواده همین کار کرد را به عهده می گیرد و افرادی را به برون همسری وامی دارد. جامعه کلانی از این نوع است. در آن انسانها (افراد-کلان) خود را از نیایی مشترک تلقی می کنند و از این رو همخون و در نهایت محرم یکدیگر. محور دوگانگی در چنین محدوده هایی تعلق به کلانی خاص است. آنان که به یک کلان تعلق دارند، نسبت به یکدیگر تابو<sup>۲</sup> به حساب می آیند و از محدوده روابط شروع بیرون می آیند؛ در اینجا، محدوده شبکه زنا با محارم به وسعت تمامی گروه اجتماعی است و گروه با این اقدام در صدد برقراری پیوندهائی سببی با دیگر کلانها بر می آید، از تک افتادگی<sup>۳</sup> به درآید، همان طور که در سطح درونی، وفاق<sup>۴</sup> خود را از منبع روابط نسبی اخذ نماید.

### محدودیتها

قلمرو یا دایره همسرگزینی یا شمار آنان که می توانند در حریم روابط شروع فرد جای گیرند، از طریق دیگری نیز محدود می شود و آن وجود امکانات لازم جهت دیدار یا برخورد با یکدیگر است. شمار این نوع موانع بسیار است: الف) در سواردی سخن از موانعی می رود که طبیعت در راه ایجاد پیوند بین انسانها پدید آورده است، که بدان موانع جغرافیایی اطلاق می شود. انسانها زمانی می توانند با یکدیگر پیوند زوجیت برقرار سازند، که امکان برخورد با یکدیگر را در مکانی واحد داشته باشند. در جامعه ای بالنسبه سنتی چون مشهد در سال ۱۳۴۴ ملاحظه می شود که ۲۴٪ زوجین در یک محل و ۵۹٪ آنان در یک شهر اقامت داشته اند و با کمال تعجب و علیرغم توسعه امکانات حمل و نقل که نوید آزادی انسانها را در قبال سلطه جغرافیا می دهد، تحقیقاتی که در همین زمینه در کشورهای صنعتی صورت گرفته است، باز همین

۱- این نوع خویشاوندی واقعی و طبیعی نیست و بدان خویشاوندی قرار دادی

(Contractual Kinship) و همچنین خویشاوندی آرمانی (Ideal Kinship) اطلاق می شود افراد یک کلان همبستگی خود را از این سایه قوام بخش (شبکه روابط خویش) می گیرند و هستی کلانی را با آن استمرار می بخشند. جوامع کلانی در این راه تنها نیز نیستند. در قبایل ایران نیز همین نوع خویشاوندی به چشم می خورد، بعنوان مثال در سطح بالای ایلی، به خلاف هسته های کوچک، (که دارای روابط خویشاوندی واقعی هستند) روابط خویشاوندی همواره آرمانی یا قرار دادی است.

2 - Taboo

3 - Isolation

4 - Consensus

5 - Saroukhani, 1968, p. 212

روند را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۶۳، آلن ژیرارد فرانسوی ملاحظه می‌کرد که ۴۷٪ زوجین در یک محل اقامت داشته‌اند<sup>۱</sup> مطالعه بوسار در بین پنجهزار زوج در ۱۹۳۱ در آمریکا، نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم ازدواجها میان کسانی صورت گرفته است که در فاصله بیست ساختمان از یکدیگر قرار دارند<sup>۲</sup>.

ب) استقرار روابط مشروع زوجیت تنها در سلطه جغرافیا نیست. عنصری دیگر که بر آن تأثیری عمیق مینهد، شرایط و ویژگیهای جسمی انسانها و از آن میان سن آنان است، زمانی که هالینگشید تحقیق خود را با نام «همبستگی سن و ازدواج» به انجام رسانید، در صدد آن بود که روندهایی جهانی در این باب یابد. از این رو در پایان تحقیقش نتایجی چند را مطرح ساخت که از آن جمله اند: گرایش زنان در همه جا به ازدواج در سنین پایین در مقایسه با مردان، افزایش ضریب تفاوت سن به هنگام ازدواج مرد در سن بالا<sup>۳</sup> که در همه جا به چشم می‌خورد. تحقیقی که در همین زمینه در ایران صورت گرفت، نتایجی مشابه بدست داده است: بالاتر بودن سن مرد به هنگام ازدواج هنجاری پذیرفته است، ورود زودتر زن به بازار ازدواج (از نظر سنی) بسیار معمول است. اما در مورد فاصله سنی زوجین داده‌های زیر بدست آمده است: نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵ نشان می‌دهد که فاصله سنی متوسط بین زوجین ۷/۴۵ سال است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۳۵ میانه تفاوت سنی زوجین ۶ سال بوده است<sup>۴</sup>. اما باید توجه داشت که ویژگی اساسی گزینش همسر از دیدگاه تفاوت سنی در ایران تعدد هنجارهاست. آنچنانکه احتساب میانگین در اکثر موارد گمراه کننده است زیرا ضریب پراکنندگی بالاست. به عنوان مثال، ملاحظه می‌شود که در تهران در ۱۱٪ موارد بررسی شده فاصله سنی ۶ سال و بالاتر است (به نفع مرد) در مشهد تقریباً از هر دوازده ازدواج، در یکی از آنها، سن شوهر ۱۰ سال یا بیشتر، قزوتتر از سن همسر اوست. استقرار روابط زوجیت بین دو همسر با این تفاوت وسیع سنی در دوشهر فوق‌الذکر به طور همزمان صادق است با ازدواجهایی که در آن تفاوت سنی کمتر از چهار سال به ترتیب در تهران و مشهد میان ۱۰٪ و ۱۱٪ زوجین به چشم می‌خورد و به طور کلی درصد تراکمی یا انباشته نشان می‌دهد که در تهران نیز ۶۳٪ زوجین با اختلافی کمتر از ۹ سال پیوند زناشویی بسته‌اند<sup>۵</sup>.

بدین سان، ملاحظه می‌شود که به هنگام گزینش همسر، فرد در درون فضایی محدود قرار می‌گیرد و آنها که از نظر قانونی حق ورود به حوزه روابط مشروع با او را دارند هستند و یا امکانات استقرار چنین روابطی را با او می‌یابند، بشمار نیستند.

1 - Girard, A : P : 59

2 - Bossard, J. H. S : 1931

3 - Hollingshead, 1951

۴- بخش جامعه‌شناسی، ۱۳۳۷

5 - Saroukhani, B, 1978, : 6

پ) در مواردی دیگر، سخن از موانع اجتماعی است که موجبات جدایی انسانها و عدم امکان انعقاد پیوند زوجیت بین آنان را فراهم می‌سازد، اثر معروف فریب‌بخش<sup>۱</sup> تحت عنوان عواملی در تشکیل و بسط محدوده‌های بسته اجتماعی<sup>۲</sup> و پس از او آثار نویسندگان دیگر، نظیر سنترز<sup>۳</sup>، برنت<sup>۴</sup> و سارون<sup>۵</sup>، سدید همین مدعاست؛ تمامی آنان که نظیر والر<sup>۶</sup> سخن از همسان همسری اجتماعی<sup>۷</sup> رانده‌اند، باز به همین گرایش اشاره کرده‌اند. واقع این است که در فقدان مقررات خاص، انسانها بدون اجبار با کسانی رابطه زوجیت برقرار می‌سازند که در محدوده گروه اجتماعی آنان جای دارند. اصطلاح نویسندگان آنگلو ساکسون در امر زوجیت، که همسرگزینی جوریا متناسب<sup>۸</sup> خوانده می‌شود، باز در همین معناست. بدرستی می‌توان گفت، هر انسان با توجه به تعلقات اجتماعی محدود و یا میدانی خاص دارد که در درون آن اقدام به گزینش می‌نماید. از همین روست که در نتیجه‌گیری تحقیقی در ایران بانام «تحرک اجتماعی و ازدواج» چنین عنوان می‌شود: «خانواده تحرک اجتماعی را در کنترل می‌گیرد و از این طریق استمرار و تداوم ساخت گروه را به همراه هنجارها و ارزشهایش تضمین می‌نماید» در پایان بررسی فوق الذکر از قول برنت چنین آمده است: «نقش منزلت نزد کسانی که منزلت اجتماعی و الاتری دارند و همچنین برای آنان که در پایگاه کهرتری جای دارند، دارای اهمیت بسیار است<sup>۹</sup>». پس می‌توان گفت که گذار از جامعه کاستی یا نژادی، به معنای باز شدن کامل طبقات و آزادی حرکت در لابلای قشرهای اجتماعی نیست، بلکه فقط سوازین قانونی که مانع ارتقاء و سقوط انسانها از طریق زوجیت می‌شدند، ناپدید شده جای خود را به سوازینی دقیق و منظم، ولی فاقد ضوابط قانونی، سپرده‌اند که حرکت در سطح طبقاتی را کنترل و در اکثر موارد منع می‌کند.

### تامیت یا کاستی در روابط مشروع

ازدواج یا ورود انسانها به حریم روابط مشروع بایکدیگر، موجبات استقرار روابطی تام و چند ساحتی را بین آنان فراهم می‌سازد و از این دیدگاه بی‌نظیر است. به بیان دیگر، هنگامی که یک زوج پدید می‌آید، یادونفر در حریم روابط مشروع ناشی از زوجیت جای می‌گیرند، ساختها یا ابعاد روابط آنان هم متکثر<sup>۱۰</sup> و هم بسیار متنوع است. این روابط زمینه‌های جسمانی

1 - Ferembach, D, 1961, 35

2 - Social isolates

3 - Centers, R, 1949e

4 - Berent, J, 1958e

5 - Marvin, 1918

6 - Waller, W, 1951

7 - Social homogamy

8 - Assortative mating

9 - Saroukhani, B, 1978, 167

10 - Berent, J, 1958, 325

11 - Totality

12 - Multi - dimensional



دارند، فاقد محدودیت زمانی هستند (میثاق دائمی است)، به قلمرو اقتصادی مرتبطند، ابعاد روانی بسیار پیچیده دارند و... با اینهمه در برابر این قاعده طبیعی زوجیت، بسیاری از انواع آن فاقد تاسیت است، این کاستی در تاسیت می تواند حدودی بسیار یابد. نمونه هایی از مشروعیت روابط بدون تاسیت بدین قرارند:

#### ۱- صیغه یا مستعه در اسلام

در این نوع زوجیت دوفرد دارای روابط مشروع اند، اما نه برای همیشه؛ در ابتدا، با قرائت خطبه هم زمان و هم میزان قابل پرداخت تصریح می شود<sup>۱</sup>. علاوه بر این در این نوع ازدواج، دوفرد از یکدیگر ارث نمی برند.

#### ۲- ازدواج متعه گونه<sup>۲</sup>

علاوه بر صیغه که در آن تفویض مشروعیت به طور موقت یا با محدودیت زمانی صورت می گیرد، در صورتی دیگر از زوجیت، مشروعیت روابط بدون آنکه از نظر زمان حصری باشد، در ابعاد دیگر کاستی نشان می دهد. در متعه گونگی، ارث وجود ندارد (طرفین حق بردن ارث از یکدیگر را ندارند) نام مرد به زن و فرزندان او تفویض نمی شود، اما ازدواج از نظر زمان با هیچ محدودیت توافقی و از قبل تعیین شده مواجه نیست.

#### ۳- ازدواج عرفی<sup>۳</sup>

در این نوع ازدواج شاهد نوعی روابط فاقد مشروعیت هستیم که به صورت هم سکنایی<sup>۴</sup> تجلی می کند و سپس با گذشت مدتی معین همین روابط غیر مشروع و فاقد تاسیت اجتماعی

۱- زمان مشخص شده فاقد هیچ نوع محدودیت است «می تواند تا چندین ده سال نیز

مقرر شده ادامه یابد».

2 - Morganatic marriage

3 - Common law marriage

4 - Cohabitation

مطلوب و متعارف، ابعاد قانونی، مشروع و جامعه پسند می‌یابد<sup>۱</sup> برخی آن را در تداوم فرایند زوجیت آزمایشی<sup>۲</sup> می‌دانند.

### مشروعیت روابط و کنترل اجتماعی:

با این نمونه‌ها که در هریک ورود فرهنگ به حوزه روابط انسانی به صراحت مشخص می‌شود، خانواده همچون ابزاری در خدمت جامعه، روابط مشروع و نامشروع را محک می‌زند و آن جامعه امکان می‌یابد تا بر شبکه روابط انسانیها سلطه یابد و آن را در اختیار گیرد. این امر (تمیز ارتباط و حک مشروعیت) خود شبکه وسیعی از دیگر کارکردها را به دنبال دارد که از آن جمله، احراز هویت اجتماعی و تمیز امتیازات و سواهب اجتماعی هستند. به زعم استوتزل «کارکرد تولیدی (تولیدمثل) خانواده بسیار با اهمیت است، اما، در واقع، مهمترین کارکرد خانواده به عنوان یک کانون در تمامی جوامع، تنها به دنیا آوردن فرزند نیست، بلکه باید فرزندان مشروع به دنیا آورد تا از این رهگذر، هویت هر فرد که در درون جامعه به دنیا آمده بی هیچ ابهام برای دیگر اعضای جامعه مشخص گردد. در واقع، حقوق و امتیازات هر کس، مسئولیتها و الزاماتش، شیوه رفتار با او و آنچه می‌توان به طور مشروع از او انتظار داشت، همگی به این امر که او کیست؟ وابسته است... در بین تمامی نهادها و سازمانها «باز خانواده است که از این نظر بیشترین مسئولیت را بردوش دارد»<sup>۳</sup>.

هر جامعه، در راه اعمال هنجارهایش و در نهایت به عنوان شرط تفویض مشروعیت و همچنین برای جلوگیری از پیدایی و بسط روابط غیر مشروع، از شیوه یا شیوه‌هایی خاص استفاده می‌کند. برخی از این شیوه‌ها چنین اند:

### - توتم، تابو و جامعه کلانی

در جامعه توتمی، وجود توتم یا نیای مشترک موجب می‌شود که افراد عضو یک کلان،

۱- بر اساس عرف برخی از ایالات در آمریکای شمالی، چنانچه زن و مردی مدت ۷ سال بدون اقطاع بایکدیگر زندگی کنند، هم‌سکنایی آنان به عنوان ازدواج قانونی به حساب می‌آید (این رسم در همه ایالات وجود ندارد).

### 2 - Trial marriage

نوع ویژه‌ای از روابط بین دو جنس مخالف است که در آن قرارداد زوجیت وجود ندارد و بسیاری چون مارگریت سید آن را مقدمه لازم برای شناخت کامل دوزوج از یکدیگر برای اتخاذ تصمیم نهایی در مورد انعقاد قرارداد می‌دانند. این عقیده مورد پذیرش دانشمندان نیست.

نسبت به یکدیگر تابو یا حرام به حساب آیند. هر رابطه زوجیت بین دو عضو یک کلان نه تنها برای آن دو عواقبی سخت به همراه دارد، بلکه کل کلان را در معرض آسیب و آفت قرار می دهد، روابط ناشروع در چنین جامعه ای از حیظه فردیت بیرون آمده و به منزله هتک حرمت جمع، به مشابه یک مجموعه خویشاوند. به حساب می آید و این امر از آن روست که:

۱- هنوز در چنین جمعی، حقوق جمعی است و مجازاتها نیز به اصطلاح دورکیم جمعی هستند، هتک حرمت یک عضو تخطی به حریم کل گروه است و باید با توسل به ابزار جمعی نیز مرتفع شود.<sup>۱</sup>

۲- تمامی افراد کلان همخون و خویشاوند یکدیگرند و لذا، هتک حرمت یک فرد (زن) توسط فرد دیگر، تجاوز به فردی خویشاوند و همخون تلقی می شود.

۳- با توجه به ابعاد تقدس آمیز توتیم، تابو نیز تنها بعد مادی و عینی ندارد و تخطی از آن اسری عادی نیست.

۴- در تمامی موارد، ابعاد کنترل و مجازات، نه تدارکی یا جبرانی بلکه سرکوب گر<sup>۲</sup> و حتی ردعی<sup>۴</sup> ... است.

### قانون و جامعه صنعتی

با بسط روابط صوری، قراردادی و در نهایت سطحی بین انسانها، موازین حقوقی به منزله ابزار کنترل اجتماعی در هر زمینه، مخصوصاً مشروعیت روابط انسانی بر دیگر وسایل و شیوه های کنترل اجتماعی پیشی می گیرند. در این زمینه اجتماعی که از دیدگاه تونیس<sup>۵</sup> جامعه صوری<sup>۶</sup> و از دیدگاه سوروکین<sup>۷</sup>، جامعه حسی<sup>۸</sup> خوانده می شود، هنجارهای اجتماعی از طریق مجازاتهای حقوقی از پیش تعیین شده تضمین می شوند، انسان و قانون جدا از یکدیگرند و هیولای قانون در اکثر موارد، موجب می شود که فرد از تخلف احساس لذت کند. کاربرد این شیوه، آن هم در اسر روابط پیچیده و آمیخته با سوانق طبیعی و معمولاً پنهان و جسمانی بین زن و مرد چندان مؤثر

(۱) یکی از این ابزار انسان است، برای مثال، در میان سرخپوستان تلینجیت Tlingit، که در شمال غربی آمریکا زندگی می کنند، چنانچه یک نفر، فردی از کلان دیگر را به قتل رساند، کلان خود او موظف به ارائه فردی با همان منزلت برای اعدام به کلان مقتول است.

(Horton, Hunt 1984 : 161).

2 - Restitutive

3 - Repressive

4 - Retributive

5 - Tönnies

6 - Gesellschaft

7 - Sorokin

8 - Sensate

نیست، و کیش قانون<sup>۱</sup> نخواهد توانست از پیدائی این روابط و ازدیاد کودکان ناشروع جلوگیری کند. فقدان فرایند درونی شدن<sup>۲</sup> هنجارهای اجتماعی موجب می شود که خرد و قانون رودر روی یکدیگر قرار گیرند و آشتی انسان و قانون صورت نگیرد.

### - کثرت مبانی کنترل

در برابر شیوه های مبتنی بر رموز و آداب<sup>۳</sup> جوامع کلانی و طرق ملموس و عادی جوامع صنعتی، امروزه کوشش می شود تا مشروعیت روابط در نهاد انسانها جای یابد و از شیوه هایی بسیار طولانی در راه درونی شدن و جذب هنجارهای اجتماعی توسط انسانها سودبر گرفته شود؛ بدین ترتیب از تکثر ابزار، نظیر اعتقادات دینی و قانونی و شیوه های تربیت از نخستین سالهای حیات استفاده شده کوشش می شود تا تاختی انسانها از مشروعیت روابط نه تنها یک گناه جبران ناپذیر، بلکه عملی خلاف شئون و وجدان جمعی<sup>۴</sup> و در نتیجه آلوده سازی مبانی پذیرفته شده حیات جمعی تلقی شود. از این رو (خلافهائی نظیر زنا با محارم<sup>۵</sup>، زنا با محصنه<sup>۶</sup> و تجاوز جنسی در زمره خلافهائی به حساب می آیند که هم با حریم امور مقدس<sup>۷</sup> و هم با امور عادی<sup>۸</sup> حیات اجتماعی مرتبطاند، و خلاقکار نه تنها با منع قانونی مواجه می شود، بلکه بنوعی تنفر عمیق دیگران را بر می انگیزد که ممکن است موجبات طرد اجتماعی<sup>۹</sup> او را فراهم سازد، بالاتر از این، جامعه در راه منع روابط غیر

#### 1 - Legalism

عقیده کسانی است که تصور می کنند با بسط توانین و اجبار انسانها در رعایت آنان، جامعه ای برین پدید می آید و حال آنکه، به زعم ما افراط در تکیه بر قوانین محض، بدون آنکه در صدد آشتی انسانها با قوانین برآئیم و از طریق فرایند طولانی اجتماعی کردن انسانها، قوانین را در نهاد آنان عین نماییم، جامعه ای ظاهر آرا، لیک فاقد سجایای کیفی خواهیم داشت. قانون پرستی در حیطه روابط بین دو جنس و تنظیم مطلوب مشروعیت کمتر از همه زمینه ها موفق بوده است.

#### 2 - Internalization Process

#### 3 - Mystic

#### 4 - Collective Conscience

#### 5 - Fornication

#### 6 - Adultery

#### 7 - Sacred

#### 8 - Profane

#### 9 - Ostracism

با هر نوع طرد دیگر از این رو متفاوت است که در آن عذاب دائمی فرد به چشم می خورد. در طرد اجتماعی، فرد در بطن جامعه زندگی می کند اما هر لحظه با رفتار یا اعمال و یا حرکات طرد کننده دیگران مواجه می شود. طرد اجتماعی را از نظر استمرار با عذاب پروسته یکسان دانسته اند.

مشروع، چنان موفق می‌شود که انگیزش طبیعی نسبت به محارم (آنانکه در حوزه روابط مشروع جای نمی‌گیرند و رابطه با آنان فاقد مشروعیت است) عملاً ناپدید می‌شود و تمایل طبیعی جای خود را به گرایش جنسی اجتماعی شده می‌دهد.

### ثبات و دگرگونی:

«جوامع دگرگون می‌شوند، یعنی نهادها تغییر می‌کنند... اما نهادها همچنان دیگر پدیده‌ها نیستند، نهادها حاصل ارزشهای اجتماعی اند. به همین دلیل است که دگرگونی در نهادها موجب بروز نگرانی می‌شوند. با اینکه، انسانها می‌کوشند بر نگرانیهای ناشی از دگرگونی نهادها چیره شوند، خواه از طریق انکار این تغییرات، خواه با مفید دانستن آنان (ترقی خواندن تغییر حاصله)، خواه با این استدلال نسبتاً عجیب که این تغییرات به شکل دایره‌ای یارفت و برگشتی هستند و لذا انسانها رابطه نقطه آغازین عزیمت آنان باز می‌گردانند»<sup>۱</sup> و خانواده نیز از این قاعده (تغییر پذیری مستمر) مستثنی نیست اما باید خانواده را بیش از هر سازمان دیگر، مظهر دو جریان متناقض ثبات و تغییر دانست.

بسیاری در عصر جدید بر امحاء تدریجی خانواده تأکید می‌کنند. در حالی که چنین نیست در طول تاریخ نیز از افلاطون تاهاکسلی، بسیاری درصدد برآمدند تا سازمانها و نهادهای دیگر را به جای خانواده نهند، ولیک هیچیک موفق نبودند. در عمل نیز بسیاری کوشیدند تا در تماس با واقعیت، ارکانی دیگر به جای خانواده گذارند، تجربه بعد از انقلاب اکثراً و کیفیت‌توثرهای اسرائیلی<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از آن است، اما باز هیچیک موفق نبودند. خانواده، به منزله واحد سازمان بخش روابط مشروع انسانها، همیشه هست و خواهد بود؛ با اینکه خانواده غیرمحم ثباتش دگرگونیهایی چند را، که برخی از آنان ساختی است، تحمل کرده است:

الف) از یک طرف شاهد گسترش میدان‌گزینش هستیم، بدین معنی که هر روز انسانهای بیشتری امکان ورود به حوزه روابط زوجیت را می‌یابند. از سویی محدوده‌های بسته جغرافیایی منفعرج شده‌اند و از سوی دیگر گروه‌های بسته اجتماعی به سوی یکدیگر گشوده شده‌اند.

ب) از طرف دیگر، شاهد کاهش کارکردهای سنتی خانواده‌ایم و بسیاری چون ژان استوتزل از «انفجار نقشهای سنتی خانواده» سخن به میان آورده‌اند. روابط تام زوجیت از جهاتی

1 - Gender

2 - Stoetzel J, 1978 : 2

۳- بعد از انقلاب اکثراً، روسیه درصدد برآمد، کودکان را از خانواده خارج و در سازمانهای خاصی نگهداری کند، تا از این طریق مادران بهتر به کار تولیدپروازند و فرزندان نیز باشیوه‌های علمتری پرورش یابند، اما روسیه این تجربه را در سطحی وسیع به انجام نرساند و بزودی به طور کلی آن را رها ساخت. بعد از آن نیز تماسی هم خود راه راه تقویت خانواده به کار برد.

چند سرزهای محدودتری یافته‌اند، اشتغال زن در خارج از خانه و روند روبه‌افزایش آن (مخصوصاً با بسط اشتغال تمام‌وقت زنان) باید عاملی در جهت این محدودیت باشد، همان‌طور که بسط امکانات تفریح در خارج از واحد خانوادگی و حتی صرف غذای هریک از زوجین به‌طور جداگانه در اداره یا محل کار خود حصری در سرزهای روابط زوجیت است، ورود وسایل ارتباط جمعی را نیز عاملی دیگر در راه بروز حصر یا محدودیت در سرزهای روابط زوجیت می‌دانند. بسیاری را عقیده‌بر این است که شکافتن دیوار سنتی خانواده و شکستن حریم آن توسط وسایل ارتباط جمعی موجب می‌شود که زن و شوهر در خلال ساعات (گاه محدود) حضور در کنار یکدیگر نیز به خواندن روزنامه، شنیدن رادیو یا تماشای تلویزیون بپردازند و بدین‌سان کانون توجه در درون خانواده نیز به پدیده‌های خارج از خانه انتقال یابد. در این شرایط سؤال این است که آیا در فقدان تعامل مطلوب در روابط زوجین و با بروز کاستی در آن، فضای عاطفی خانه آسیب نمی‌بیند؟ و آیا بعد عاطفی انسانی روابط مشروع زوجیت از آن گرفته نمی‌شود؟

پ) افزایش روند دولتی شدن امور یا سپردن بسیاری از کارکردهای خانواده به دولت. ژان استوتزل<sup>۱</sup> به سال ۱۹۵۴ با تمیز نخستین آثار این روند نوشت: «انقلابی واقعی در فرهنگ غربی از دیدگاه روانی، هم در واقعیت و هم در عقاید، در شرف تکوین است. به‌حای خانواده‌حاسی، بیش از پیش گروهی اجتماعی یا دولت حمایت‌کننده نشسته است، در مواردی که فرد در جامعه سنتی به خانواده مراجعه می‌کرد، امروزه به دولت رجوع می‌کند و دولت بیش از پیش نقش پدر را از نظر روانشناسی به عهده می‌گیرد»

ت) بسط سلطه انسان بر روابط طبیعی و آثار آن، جداسدن زوجیت و روابط مشروع ناشی از آن از باروری، روندی روبه‌گسترش در اکثر جوامع انسانی است. ازین پس «می‌توان گفت حجم خانواده، تعداد فرزندان و حتی فاصله سنی آنان از یکدیگر در حیطه اراده آدمیان جای خواهند داشت و روابط مشروع دو جنس در خانواده با آثاری در کنترل تام انسانی تحقق خواهد پذیرفت. خانواده جدید بدون زوال، با این دگرگونیهای ساختی انطباق یافته، ساخت و سازمانی نو می‌پذیرد و پاسخگویی روابط تازه انسانی است<sup>۲</sup>. از همین روست که خانواده را آسیره‌ای منحصر به فرد

1 - Stoetzel, J, 1987, 4

۲- همین فرایند نوسازمانی (Reorganization) را در پدیده‌های کوچکتر مرتبط با همسرگزینی (نظیر مهر در ایران) ملاحظه می‌کنیم، به طوری که در پایان تحقیقی که در همین زمینه صورت گرفت با اشاره بر همین دیالکتیک تغییر آمد: «براین عقیده‌ایم که تمامی این سنتها شاخص ویژگیهای اساسی گروه اجتماعی اند. وحدت و هریت گروهها نیز با انتقال اینهمه میراث خانوادگی به نسلهای بعد تأمین می‌شوند. از همین روست که دگرگونیهای خانواده تند و نابود

کننده» به حساب نمی‌آیند». Saroukhani, 1977, 13

اژنبات و دگرگونی خواندیم و نتیجه ژان استوتزل در پایان مقاله اش نیز همین است. او می نویسد: «بخوبی می بینیم چگونه خانواده به منزله نهادی بسیار مهم باقی است و کار کرد هایی اساسی برای فرد و جامعه به عهده دارد، اما نباید فراموش کنیم که همین خانواده از یک قرن پیش تغییراتی بس عظیم را پذیرا شده است»<sup>۱</sup>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع فارسی

- ۱- ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی خانواده، تهران، دانشکده علوم اجتماعی ۱۳۶۵ (پلی کپی).
- ۲- گروه جامعه‌شناسی: روانشناسی اجتماعی کار صنعتی در ایران، (ترجمه باقر ساروخانی) تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۷.
- ۳- میشل، آندره: جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۴.
- ۴- ناصحی، ویدا. جامعه‌شناسی خانوادگی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۶ (پلی کپی).

## منابع خارجی

- 1 - Berent, J : Social mobility and marriage, a study of trends in England and wales , Social mobility in Britain, ed D. Glass London, Routledge and Kejan, 1954, 8, pp : 321 - 338.
- 2 - Bonard, J. H. S : Residential Propinquity as a factor in marriage, Selection, in American Journal of Sociology, 1932, 38, pp: 219-224
- 3 - Centers, R : Marital selection and occupational strata, American Journal of sociology, 1949, 34, p p : 530 - 535.
- 4 - Chao (P) : Women under Communism : Family in China and Russia , General Hall Inc, Bayside, New York, 1977.
- 5 - Ferembach, D : Quelque facteus de la formation et du développement d'un isolat, Population, 1961, pp : 32 - 40 .

- 6 - Girard, A : Le choix du conjoint, une enquête psycho - sociologique en France, Paris, P . U. F, 1964.
- 7 - Hollingshead, A. B : Age relationship and marriage, in American sociological Review, 1951, 4, pp : 492 - 40.
- 8 - Horton, paul B : Hunt, chester L : Sociology, New York, Mc Graw - Hij company, 1984. e
- 9 - Marvin, D : Occeptional propinquity, as a factor in marriage, Selection of the american statistical association, 1918, 16, pp : 131 - 150.
- 10 - Murdock, our primitive Contemporaries, New York, Macmillan Co, 1936 .
- 11 - Queen et al : The family in Various cultures, Lippincott Co. philadelphia, 1975.
- 12 - Saroukhani, B : Le chiox du conjoint en Iran et en occident, Paris, Librairie de Droit et de Jurisprudence, 1968.
- 13 - Saroukhani, B : Family and social Mobillty, in International Journa l of sociology of Family, 1973, Vol 2, 3 pp : 162 - 166.
- 14 - Saroukhani, B : Age gap in Marriage, in Genus, 1979, Vol, 35, 1, 2, pp : 265 - 276.
- 15 - Saroukhani, B : Dower : A Tradition in Mate selection, in International Journal of sociology of Family, 1979, Vol 3, 1, pp : 17 - 25.
- 16 - Stoetzel, J, : Les changements dans les Fonctions Familiales, in Population et société, Avril, 1987, No 212 .
- 17 - Aalmon(Y) : Family and Community in the Kiblwtz, Harvarde university press, Cambridg , Mass, 1972.
- 18 - Wall r, W : Th family, a dynamic interpretation, revised by R . Hill, New York, Dryden, 1951.